

سپهرغرب، گروه اجتماعی؛ مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی گفت: هدایت تحصیلی صحیح سرنوشت فرد را به‌درستی رقم می‌زند و سپری در برابر آسیب‌های اجتماعی است.

سمیه‌سادات ابراهیمی، گفت: هدایت تحصیلی درست، دقیق، منطقی و علمی، منجر به افزایش خودکارآمدی، رضایت از زندگی، ارتقا عزت نفس و احساس شایستگی در

دانش‌آموزان می‌شود و در واقع، آن‌ها را به سمت خودرهبری، خودکفایتی و خودراهبری سوق می‌دهد. وی با بیان این که مهم‌ترین سرمایه هر کشور، منابع انسانی آن است، افزود: سرنوشت سرمایه انسانی یک جامعه، در پایه نهم و از طریق هدایت تحصیلی رقم می‌خورد. اگر این فرآیند به‌درستی انجام نشود، می‌تواند منجر به بروز آسیب‌های اجتماعی شود.

هدایت تحصیلی صحیح سپری در برابر آسیب‌های اجتماعی است

مدیرکل امور تربیتی، مشاوره و مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی تصریح کرد: فرهنگ‌سازی در زمینه هدایت تحصیلی، تغییر نگاه و نگرش خانواده‌ها و دانش‌آموزان، نکته‌ای حائز اهمیت است که نباید از آن غافل شد. ابراهیمی خاطرنشان کرد: محدود کردن دانش‌آموزان به رشته‌های خاص، به‌ویژه ریاضی و علوم تجربی «لدفن استعدادها» و

کمک به جامعه با هر توان و تخصصی، مسئولیت اجتماعی است

فرهنگ داوطلبی؛ پلی برای تاب‌آوری اجتماعی و امید به آینده/ کارهای داوطلبانه حلقه گمشده توسعه اجتماعی

دچار وقفه شد تا اینکه در سال ۹۵ از طریق دوستانم با جمعیت طه در تهران آشنا شدم و به‌عنوان داوطلب در زمینه تدریس، فعالیت خود را آغاز کردم.

وی ادامه داد: در آن زمان، جمعیت طه تصمیم به اجرای فعالیت‌هایی غیر از خیریه و تدریس را نیز در برنامه‌هایش قرار داد و به این ترتیب، من همکاری خود را با پروژه‌هایی مانند پویش ارزاق و کمک به خانواده‌های محروم شناسایی‌شده، آغاز کردم.

به اجرای فعالیت‌هایی غیر از خیریه و تدریس را نیز در برنامه‌هایش قرار داد و به این ترتیب، من همکاری خود را با پروژه‌هایی مانند پویش ارزاق و کمک به خانواده‌های محروم شناسایی‌شده، آغاز کردم.
این فعال خیریه با این بیان که انگیزه اصلی من با توجه به توانی که دارم کمک به خانواده‌های نیازمند از طریق تدریس بدون دریافت حق‌الزحمه بود، معتقد است زکات علم، ترویج آن بوده و اگر کسی توان مالی ندارد، نباید فرزندش از تحصیل محروم شود.

اگر هر فردی بنا به توانایی و تخصص خود احساس مسئولیت داشته باشد، می‌تواند به دیگران کمک کند و نفعی به جامعه برساند.

■ **تأثیر کارهای داوطلبانه بر کیفیت زندگی اجتماعی؛ بچه‌ها خودشان مربی شدن**

سلیمی سپس درباره تأثیر کارهای داوطلبانه بر ارتقای کیفیت زندگی اجتماعی مردم، اظهار کرد: یکی از نمونه‌های بارز کارهای ما در یک روستای جنوبی تهران بود که امکانات آموزشی و رفاهی محدودی داشت و با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کرد، در واقع آن‌ها به‌دلیل نبود فضا و امکانات آموزشی مناسب، انگیزه و علاقه‌ای به ادامه تحصیل نداشتند. در آن زمان، ما گروهی را تشکیل داده و کلاس‌های تقویتی برگزار و رفع اشکال کردیم. پس از مدتی، نمرات دانش‌آموزان افزایش چشمگیری پیدا کرد و بسیاری از آن‌ها به تحصیل در دبیرستان و حتی دانشگاه ادامه دادند.

وی تأکید کرد: یکی از بزرگ‌ترین دستاوردها در این بخش این بود که بچه‌هایی که هیچ‌وقت به ادامه تحصیل فکر نمی‌کردند، حالا به هدف دانشگاه و آینده روشن دست پیدا کرده بودند. این روند به نوعی الگوسازی در میان جوانان و نوجوانان آن منطقه شد به طوری که می‌بینیم برخی از آن بچه‌ها که زمانی شاگرد ما بودند، به مربیانی تبدیل شده‌اند که کار ما را ادامه می‌دهند.

این فعال اجتماعی و داوطلب خیریه، بیان کرد: ما توانستیم در این منطقه، انگیزه و هدف‌گذاری جدیدی ایجاد کنیم. بچه‌هایی که قبلاً به دلایل مختلف، ازجمله فشار اجتماعی و اقتصادی، در سین کم ازدواج می‌کردند یا وارد مسیرهای نادرست می‌شدند، اکنون در دانشگاه هستند یا کسب‌وکارهای خود را راه‌اندازی کرده‌اند. ما توانستیم آینده‌ای روشن‌تر و متفاوت از آنچه که قبلاً پیش‌بینی می‌شد، برای آن‌ها رقم بزنیم و این به‌واسطه حضور و مشارکت ما در آنجا رقم خورد.

سلیمی در ادامه مطرح کرد: یکی از مشکلات بزرگ در یکی از شهرک‌هایی که می‌رقیم کمبود امکانات تفریحی برای بچه‌ها بود، مدام است وقتی

هشدار یک جامعه‌شناس درباره پدیده‌ای به نام «دام اجتماعی»

این جامعه‌شناس با هشدار نسبت به کاهش سطح اعتماد عمومی و بین‌فردی در جامعه اضافه کرد: کاهش اعتماد منجر به رفتارهای فردگرایانه و چگونگی تمایل به همکاری جمعی شده که پیامد آن افت مشارکت اجتماعی و شکل‌گیری دام اجتماعی است.

رستمی با تأکید براینکه یکی از مهم‌ترین راهکارها برای عبور از دام اجتماعی، فرهنگ‌سازی و آموزش مهارت‌های اجتماعی از سنین پایین است، افزود: برای بازسازی اعتماد در جامعه باید نگرش مردم نسبت به همکاری و مشارکت تغییر کند. این تغییر با آموزش، رسانه‌ها، تقویت گفت‌وگوی اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌هایی برای مشارکت عمومی امکان‌پذیر است.

احساس کند که ای کاش می‌توانست کمک کند. اما کسی که توانایی مالی دارد و خود را متحمل می‌داند، ممکن است هیچ درک و نگرانی از مشکلات نداشته باشد.

سلیمی بر اهمیت آموزش و کمک به خانواده‌های نیازمند تأکید می‌کند و معتقد است؛ ایجاد انگیزه و امید در افراد، به خصوص در کودکان و نوجوانان، می‌تواند تغییرات مثبتی در جامعه به همراه داشته باشد.

وی یادآوری کرد: اینکه خانواده‌های نیازمند از سفره خود، از کمد لباسشان یا از آنچه که دارند ببخشند، بسپار ارزشمند است. آن‌ها کسانی هستند که خودشان در شرایط مشابه قرار دارند و می‌توانند درد و رنج دیگران را درک کنند. در این جوامع، به‌نظر من خانواده‌های نیازمند بسیار قوی‌تر از خانواده‌های مرفه هستند.

این فعال اجتماعی درباره فرهنگ داوطلبی و مسئولیت اجتماعی نیز گفت: فرهنگ داوطلبی باید به جایی برسد که افراد با هر حرفه‌ای که دارند، احساس مسئولیت کنند. من خودم به‌عنوان معلم همیشه احساس کرده‌ام که باید زکات علمم را بپردازم. اگر هر فردی بنا به توانایی و تخصص خود این مسئولیت را احساس کند، می‌تواند به دیگران کمک کند و در کنار استفاده شخصی از موهبت‌هایی که خداوند به آن‌ها داده، نفعی به جامعه برساند.

سلیمی ابراز کرد: اگر همه افراد به این نقطه برسند که نباید به آنچه دارند پخل ورزند و باید دیگران را که در شرایط سخت هستند درک کنند، قطعاً دیگر درد و نیازمندی باقی نمی‌ماند؛ به‌نظر من چنین شرایطی، بهشت واقعی است. اینکه ما چه اقدامی می‌توانیم انجام دهیم، نمی‌دانم؛ در واقع افزایش مشارکت مردمی کمی سخت است و واقعاً هنر و سلیقه می‌خواهد. مثلاً من به نوبه خود خیلی از دوستانم را راضی به مشارکت در این نوع کارها کرده‌ام و از سر لطف آن‌ها بوده که این فعالیت‌ها تا کنون ادامه پیدا کرده. شکر خدا که دوستان همیشه حامی بودند و کمک کردند تا این فعالیت‌ها ادامه داشته باشد.

وی در ادامه پیام خود را به دیگران این‌طور بیان کرد: یکی از مهم‌ترین نکات این است که مسئولیت‌پذیر باشیم و فکر نکنیم که داریم کار شاقی انجام می‌دهیم. من معتقدم وظیفه تک‌تک ما همین خدمت است. نکته دیگری که برای من اهمیت دارد اینکه باید مراقب باشیم الگوهای بدی برای بچه‌ها نباشیم. چراکه بچه‌ها و خانواده‌های تحت پوشش خیریه‌ها بسیار اثرپذیر هستند. یا چه رویکردی، چه ادبیاتی و چه منشی کار می‌کنیم، تأثیر زیادی بر این افراد دارد.

وی همچنین به یک مثال از مددکاری‌های خود اشاره کرد و یادآور شد: مددجویی را می‌شناسم که نه قوم و خویش است و نه همسایه، اما از فعالان خیریه ماست. کسی را پیدا کرده که به ما معرفی کند. کمک‌هایی

مورد توجه قرار گیرند و همچنین، ظرفیت‌ها و نیازهای کشور نیز باید در نظر گرفته شوند. وی افزود: اگر دانش‌آموز مطابق استعداد، علاقه و نیاز جامعه انتخاب رشته کند، قطعاً موفق خواهد شد. در غیر این صورت، دچار آسیب‌های فراوانی خواهد شد. حوزه هدایت تحصیلی، اثری بسیار عمیق بر سایر حوزه‌های نظام تعلیم و تربیت و بر آینده سرمایه انسانی یک کشور دارد.

کمک به جامعه با هر توان و تخصصی، مسئولیت اجتماعی است

برداریم.

■ **ایجاد حس تعلق به جامعه؛ رسالت بزرگ داوطلبان اجتماعی**
در خاتمه باید گفت: کارهای داوطلبانه نه‌تنها به‌عنوان یک حرکت نیکوکارانه بلکه به‌عنوان ابزاری برای ایجاد تحول در جوامع و محله‌ها شناخته می‌شوند. تأثیر این نوع فعالیت‌ها بر کیفیت زندگی اجتماعی مردم و تقویت تاب‌آوری نمایان است. در یک جامعه که روز به‌روز از لحاظ اجتماعی و اقتصادی با چالش‌های جدیدی روبه‌رو می‌شود، نقش داوطلبان و گروه‌های خیریه به‌عنوان نیروی محرکه برای تغییرات مثبت، غیرقابل انکار است.

فعالیت‌های داوطلبانه به‌ویژه در مناطق کمتر برخوردار، می‌توانند باعث تغییرات ملموس و بنیادین در کیفیت زندگی اهالی محله‌ها شوند. در این فرآیند، آموزش، حمایت اجتماعی و ایجاد فرصتی برای دسترسی به منابع اولیه زندگی نقش کلیدی ایفا می‌کند. مثلاً با فراهم آوردن دوره‌های آموزشی و کلاس‌های تقویتی برای کودکان و نوجوانان در محله‌های محروم، این افراد نه‌تنها از نظر تحصیلی رشد می‌کنند، بلکه خود را در مسیر اهداف بلندتر و زندگی بهتر می‌بینند. در این میان، برکت همبستگی اجتماعی و تأثیرات معنوی ناشی از همکاری داوطلبانه نیز بر روحیه و انگیزه این افراد افزوده می‌شود.

این تأثیرات به‌طور ویژه بر تاب‌آوری افراد تأثیرگذار است. تاب‌آوری اجتماعی مفهومی است که در آن افراد و جوامع قادر به مواجهه با بحران‌ها و مشکلات زندگی به شیوه‌ای سازگار و مقاوم هستند. به‌دلیل اینکه فعالیت‌های داوطلبانه معمولاً با چالش‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی در ارتباط است، افراد در مواجهه با این مشکلات به درک عمیق‌تری از توانمندی‌های خود و سایرین می‌رسند. این تعاملات و ارتباطات نه‌تنها در سطح فردی، بلکه در سطح جمعی نیز به تقویت مشکلات مسئولیت، امید به آینده و همکاری میان مردم می‌انجامد.

یکی دیگر از تأثیرات عمده کارهای داوطلبانه بر تاب‌آوری اجتماعی، ایجاد حس تعلق به جامعه است. وقتی افراد به‌عنوان داوطلب در کنار هم فعالیت دارند، این احساس را پیدا می‌کنند که به آن‌ها انگیزه می‌دهد تا در برابر مشکلات ایستادگی کنند. به‌عنوان مثال، خانواده‌هایی که ممکن است به‌دلیل مشکلات اقتصادی در شرایط سختی قرار داشته باشند، زمانی که در کنار دیگر اعضای محله، کمک‌ها و حمایت‌ها را دریافت می‌کنند، نه‌تنها از نظر مادی، بلکه از نظر روحی و روانی نیز تقویت می‌شوند. این نوع همبستگی، مقاومت و تاب‌آوری در برابر بحران‌ها را به‌طور چشمگیری افزایش می‌دهد.

در نهایت، تأثیر کارهای داوطلبانه بر تاب‌آوری و کیفیت زندگی اجتماعی به‌طور کلی، به یک شبکه حمایتی گسترده تبدیل می‌شود که در آن افراد به یکدیگر امید می‌دهند که در سختی‌ها کنار هم بوده همدیگر را یاری کرده و به سوی آینده‌ای بهتر حرکت می‌کنند. اگر همگان در این مسیر گام بردارند، می‌توان به جامعه‌ای تاب‌آور، همبسته و قادر به مقابله با چالش‌های اجتماعی و اقتصادی امیدوار بود. در این میان، نقش داوطلبان به‌عنوان قهرمانان بی‌ادعا و تأثیرگذاران بزرگ، همواره برجسته و ستودنی خواهد بود.

وی شفافیت بیشتر در عملکرد نهادهای عمومی را نیز در این باره مؤثر خواند و گفت: مردم زمانی به نهادهای اعتماد می‌کنند که بدانند تصمیم‌ها چگونه گرفته شده و چه نتایجی داشته‌اند. از طرفی باید به سازمان‌های مردم‌نهاد و انجمن‌های محلی فرصت بیشتری برای فعالیت داده شود؛ چراکه این نهادهای می‌توانند اعتماد و مشارکت را در بستر جامعه تقویت کنند. او در پایان تصریح کرد: حل پدیده دام اجتماعی نیازمند اراده ملی، استفاده از داده‌های دقیق، و رویکردی مشارکتی در سیاست‌گذاری است. با بازسازی اعتماد عمومی می‌توان زمینه‌ساز جامعه‌ای سالم‌تر، پویاتر و همراه‌تر شد.

این جامعه‌شناس با هشدار نسبت به کاهش سطح اعتماد عمومی و بین‌فردی در جامعه اضافه کرد: کاهش اعتماد منجر به رفتارهای فردگرایانه و چگونگی تمایل به همکاری جمعی شده که پیامد آن افت مشارکت اجتماعی و شکل‌گیری دام اجتماعی است.

رستمی با تأکید براینکه یکی از مهم‌ترین راهکارها برای عبور از دام اجتماعی، فرهنگ‌سازی و آموزش مهارت‌های اجتماعی از سنین پایین است، افزود: برای بازسازی اعتماد در جامعه باید نگرش مردم نسبت به همکاری و مشارکت تغییر کند. این تغییر با آموزش، رسانه‌ها، تقویت گفت‌وگوی اجتماعی و فراهم کردن فرصت‌هایی برای مشارکت عمومی امکان‌پذیر است.

سپهرغرب، گروه اجتماعی؛ پدیده‌ای به نام «دام اجتماعی» در بسیاری از جوامع، ازجمله ایران، به یکی از موانع جدی در مسیر همکاری‌های جمعی و تقویت سرمایه اجتماعی تبدیل شده است. این پدیده زمانی رخ می‌دهد که به‌دلیل کم‌اعتمادی میان افراد، تمایلی برای مشارکت و همکاری وجود ندارد، حتی اگر این همکاری به نفع همه باشد.

جامعه‌شناس و عضو پژوهشکده علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی، گفت: دام اجتماعی زمانی به‌وجود می‌آید که روابط بین مردم بر پایه شک، ترس و احتیاط شکل می‌گیرد. در این وضعیت، افراد نگران‌اند که مورد سوءاستفاده قرار بگیرند یا ضرر کنند؛ به همین دلیل ترجیح